

دوفصلنامه «مطالعات تطبیقی قرآن پژوهی»
سال سوم، شماره پنجم / بهار و تابستان ۱۳۹۷؛ ۱۲۲-۱۰۷

بررسی تطبیقی کاربرد و مفاهیم واژه عهد در قرآن و عهدین

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۲/۱۲ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۵/۱)

محمد علی همتی^۱، احمد جعفری^۲، جواد جهانی^۳

چکیده

برخی لغت شناسان بر این باور هستند که مترادف در قرآن، وجود ندارد. بر این اساس، هر واژه بار معنایی در سیاق جمله دارد. از این جهت ضرورت دارد با تحقیق و تفحص در معنای صحیح کلمات، درک و فهم دقیق تری از کلام الهی داشت. یکی از واژه هایی که در قرآن کریم معانی متعددی دارد واژه "عهد" است که با مشتقات آن ۴۶ بار در مصحف شریف و در کتاب مقدس نیز حدود ۳۰۰ مرتبه به کار رفته است. در این پژوهش معنای واژه ی عهد و دایره معنایی آن در قرآن کریم با معنای آن در عهدین بررسی تطبیقی شده است. یافته های این پژوهش، نشانگر آن است که مفهوم عهد، در قرآن و عهدین، یکسان نیست؛ بلکه تفاوت معنا داری در این خصوص وجود دارد.

واژگان کلیدی: قرآن، عهدین، عهد، میثاق، معنا شناسی، مترادف.

مقدمه

^۱ استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن؛ دانشکده شیراز mohammadalihemati@gmail.com

^۲ مدرس دانشگاه علوم و معارف قرآن؛ دانشکده شیراز Ahmadjod@gmail.com

^۳ کارشناسی ارشد علوم قرآنی دانشکده شیراز Javadjahany12@gmail.com

بررسی تطبیقی کاربرد و مفاهیم واژه عهد در قرآن و عهدین ۲

عهد و میثاق یکی از مظاهر اخلاقیات انسانی است که در روابط میان انسان ها اهمیت به سزایی دارد. این اهمیت وقتی بیشتر می شود که در رابطه میان انسان و خدا نیز به کار برده می شود. به گونه ای که در کتب مقدس ادیان ابراهیمی، بر اساس مؤلفه عهد و میثاق، کار هدایت و راهنمایی بشر پایه ریزی شده است. لذا می توان قرآن و عهدین را کتاب های میثاق الهی با بندگان معرفی کرد.

در کتاب مقدس و قرآن کریم، به کرات از این لفظ استفاده کرده اند. در قرآن، عهد و مشتقات آن ۴۶ بار و در عهدین حدود ۳۰۰ مرتبه استعمال شده است. (با توجه به شمارشی که توسط محققین انجام گردید). ولی در عین حال، هر کدام از زاویه ای به معنای عهد و میثاق پرداخته اند. هرچند از نظر لغوی معنای واحدی دارند ولی از نظر اصطلاحی، معنای وسیع تری می یابند به گونه ای که معنای اصطلاحی آن در قرآن با عهدین متفاوت می شود.

حال سؤال این است که «آیا مفهومی واژه عهد در قرآن و عهدین یکسان است یا تفاوت معنا داری در این خصوص وجود دارد؟» نویسندگان تلاش نموده اند با تحقیق کتابخانه ای به بررسی تطبیقی معنای واژه عهد و میثاق در قرآن و عهدین بپردازند. لذا در ابتدا معنای واژه در قرآن از نظر لفظی و اصطلاحی بررسی و سپس با معنای آن در عهدین مقایسه می گردد.

هدف از این نوشتار، مفهوم شناسی واژه ی عهد با توجه به سابقه استعمال آن در عهدین است تا از این ره آورد بتوان به مفهوم لفظ عهد در قرآن پرداخت. حاصل مفهوم شناسی و به کار گیری آن در تفسیر و ترجمه قرآن مجید، باعث فهم بهتر و دقیق تر کلام الهی خواهد شد.

پیشینه

مقالاتی وجود دارد که به معنانشناسی عهد و میثاق پرداخته اند ولی معنای آن را با عهدین مقایسه نموده اند. لذا این نوشتار از این حیث دارای نوآوری است. پیشینه مقالات موجود از این قرار است: العهد و الميثاق نوشته مصطفی عبدالحلیم الجندی در نشریه منبر الاسلام، رجب ۱۳۹۴ق- شماره ۷ میثاق در قرآن و عهد جدید نوشته آقایان پوراحمد و حکیمی فردر نشریه عرفان و ادیان پاییز و زمستان ۱۳۹۷، سال پنجاه و یکم - شماره ۲ پیمان الهی در عهد عتیق نوشته آقای حسین کلباسی اشتری در مجله کتاب نقد، پاییز ۱۳۸۳ - شماره ۳۲ گستره معنایی عهد در قرآن اثر آقای عماد مرادی در مجله حسنا، سال هشتم، بهار ۱۳۹۵ - شماره ۲۸ ولی بررسی تطبیقی با رویکرد مصداقی، مورد پژوهش نبوده است.

۱- مفاهیم و کلیات

بررسی تطبیقی کاربرد و مفاهیم واژه عهد در قرآن و عهدین ۳

واژه عهد به صورت اسمی و فعلی ۴۶ بار در قرآن به کار رفته است و دارای معانی مختلفی از قبیل: تعهد، التزام، دین، مسئولیت، ضمانت، پیمان، وعده، سوگند، عقد، میثاق، قرارداد، موافقت، موعد، دوره و زمان می باشد و در فرهنگ لغات مختلف، معانی گوناگونی برای آن ذکر گردیده است.

معنای لغوی عهد:

در این جا به بررسی معانی مختلف عهد درپاره ای از فرهنگ لغات و تفاسیر پرداخته می شود:

ابن فارس و ابن منظور می گویند: «عهد حفظ و نگه داشتن چیزی و مراعات نمودن آن، که مراعات آن لازم است می باشد» (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۴/۱۶۷ و ابن منظور، ۱۴۰۵: ۳/۳۱۱) راغب نیز در این باره می گوید: «معنای این که می گویند فلانی به فلانی عهد داد این است که عهدی به او داده و او را به حفظ آن سفارش کرده است.» (راغب، ۱۳۶۹: ۲/۶۶).
التحقیق معنای لغوی عهد را این گونه بیان کرده است: «التزام خاص در برابر خداوند یا شخصی بر امری مخصوص که با عقد، وصیت یا قسم محقق گشته و احتفاظ و امان در پی دارد را عهد گویند.» (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۸/۲۴۶)
قاموس قرآن در ذیل واژه عهد آورده است: «عهد نگهداری و مراعات پی در پی شیء است. پیمان را از آن جهت عهد گویند که مراعات آن لازم است» (قرشی، ۱۳۷۸: ۵/۵۹). و به قولی اصل آن را نگهداری و مراعات می داند و سپس در پیمان که مراعات آن لازم است، به کار رفته است و سپس اضافه می کند: «اگر عهد به معنی امر و توصیه و غیره آید از جهت لازم الحفظ بودن است مثلا در آیه (و عهدنا الی ابراهیم و اسماعیل ان طهرا بیتی...)» (بقره/۱۲۵). «عهدنا» به معنی دستور دادیم و امر کردیم است، ولی چون دستور اکید و لازم المرعاها است لذا با «عهدنا» تعبیر آورده شده است.» (همان).

معنای واحدی که در کلام این لغت شنا سان وجود دارد «حفظ و نگهداری» و «مراعات» است. اما فرهنگ های دیگری چون المنجد، راند و لاروس، معانی دیگری مانند «وفاداری، تضمین و پشتوانه، سفارش و وصیت و سوگند» برای آن ذکر کرده اند. (بستانی، ۱۳۷۵: ۶۲۸ و خلیل، ۱۳۷۷: ۲/۱۴۹۹ و مسعود، ۱۳۷۶: ۱۲۲۶). علامه طباطبایی نیز معنای اصلی عهد را همین معنا (احتفاظ) می داند و همه معانی دیگر آن را مشتق شده از همین معنا می داند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱/۲۲۷). در تفسیر قرآن کریم ملاصدرا نیز آمده است: «عهد به معنای پیمان و قرارداد است و بر هر چیزی اطلاق می شود که مورد تعهد است مانند وصایا، سوگندها، نذورات و اوقاف» (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۱: ۲/۲۴۱).

بنابراین با توجه به معانی مختلفی که لغت شناسان برای واژه عهد ذکر کرده اند، از میان معانی ذکر شده، به نظر می رسد اصل معنای عهد همان «حفظ و نگهداری و مراعات» باشد، و همه معنی ذکر شده برای آن در نهایت به یک معنی که

بررسی تطبیقی کاربرد و مفاهیم واژه عهد در قرآن و عهدین ۴

همان «احتفاظ» می باشد بر می گردند، چرا که هر یک از این عناصر، ممکن است بر حسب اقتضاء، در معنای عهد به کار روند و این موضوع از کلام لغت شناسان به خوبی قابل دریافت است و اشاره ای بدان داشته اند.

معنای اصطلاحی عهد

علامه طباطبایی در تفسیر گرانقدر المیزان عهد را این گونه توضیح می دهد: «قرآن، ایمان مومن را «عهد» و «میثاق» او نامیده است و همچنین تکالیفی را که متوجه آنها کرده عهد خوانده است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۵/ ۱۲). کلمه عهد بر حسب عرف و اصطلاح شرع به معنای آن چیزی است که انسان با صیغه عهد ملتزم به آن شده باشد، مانند: نذر و سوگند، و ممکن است منظور از عهد مطلق تکلیف هایی باشد که متوجه مومنین شده است.» (همان). بدینسان، عهد مفهوم وسیعی دارد که هم عهدهای مردمی را شامل می شود و هم عهدها و پیمان های الهی را. زیرا عهد هرگونه التزام و تعهدی است که انسان نسبت به دیگری می دهد، و بدون شک کسی که به خدا و پیامبر او ایمان می آورد با این ایمان، تعهدات وسیعی را پذیرفته است (شریعتمداری، ۱۳۷۲: ۳/ ۲۷۳).

صاحب تفسیر مجمع البیان در ذیل آیه (وَبِعَهْدِ اللَّهِ أَوْفُوا) (انعام: ۱۵۲) می نویسد: درباره معنای «عهد خدا» دو قول است: ۱. هرچه خداوند بر بندگان واجب کرده، عهد اوست که باید به آن وفا کرد و دستورات او را به کار برد. ۲- مقصود نذر و عهد است که هرگاه در غیر معصیت خدا باشد، باید وفا کرد. بنابراین یعنی به عهدی که با خدا بسته اید وفا کنید (طبرسی، بی تا: ۱۵/ ۹).

برخی از قرآن پژوهان نیز معتقدند: «عهد در اصطلاح فقهی عبارت است از پیمانی که بنده با خدای خود جهت انجام یا ترک عملی می بندد و صیغه آن «عاهدت الله» و «علی عهدالله» می باشد» (خرمشاهی، ۱۳۸۱: ۲/ ۱۴۹۹).

در اصطلاح عرفانی، عهد و پیمان واقعی، عهد و پیمانی است که خداوند در روز ازل با انسان ها بسته است که به «عهد الست» معروف است؛ آنجا که می فرماید: (وَ إِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ شَهِدْنَا أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَٰذَا غَافِلِينَ) (اعراف: ۱۷۲). «و (به خاطر بیاور) زمانی را که پروردگارت از پشت و صلب فرزندان آدم، ذریه آنها را برگرفت، و آنها را گواه بر خویشتن ساخت. (و فرمود: «آیا من پروردگار شما نیستم؟» گفتند: آری، گواهی می دهیم!...)). در اصطلاح عرفانی، حقیقت این آیه، بیان انعقاد پیمان دوستی میان خدا و دوستان خداست (میبدی، ۱۳۷۱: ۳/ ۷۹۴).

در معنای عهد الهی اقوال گوناگونی وجود دارد. ملاصدرا از دید مفهوم شناسی فلسفی به سه قول اشاره می کند: ۱. آنچه در عقول نهاده شده است، یعنی استعداد و توانایی درک براهین و دلایل اقامه شده ای که در اثبات صحت توحید خداوند

بررسی تطبیقی کاربرد و مفاهیم واژه عهد در قرآن و عهدین ۵

و صدق پیامبرش، به کار برده می شود. یعنی پیمانی که خدای سبحان به وسیله عقل و فطرت که حجت باطنی بین خدا و عبد است، از انسان گرفته است. ۲. مراد پیمانی است که خداوند از مردم، پیش از تعلق به ابدانشان، از آنان گرفته، یعنی هنگامی که به صورت ذرات ریزی از صلب آدم (ع) آنان را بیرون آورد، یعنی همان پیمانی که در عالم ذر از انسان ها گرفته شده است. صدرا در اینجا پس از بیان این دو قول تذکر می دهد که این قسم بازگشت به وجه اول دارد. ۳. منظور همان است که آیه شریفه ۴۲ فاطر، دلالت بر آن دارد (وَ أَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَئِن جَاءَهُمْ نَذِيرٌ لَّيَكُونُنَّ أَهْدَىٰ مِنْ إِحْدَى الْأُمَمِ فَلَمَّا جَاءَهُمْ نَذِيرٌ مَّا زَادَهُمْ إِلَّا نُفُورًا) (فاطر: ۴۲)؛ «آنان با نهایت تاکید به خدا سوگند خوردند که اگر پیامبری انذار کننده به سراغشان آید، هدایت یافته تری امته خواهند بود؛ اما چون پیامبری برای آنان آمد، جز فرار و فاصله گرفتن از (حق) چیزی بر آنها نیفزود!» شاید مراد همان پیمانی باشد که خداوند از امت های قبل گرفت تا به نبوت پیامبر خاتم (ص) ایمان بیاورند و لذا آنان که ایمان نیاوردند در واقع نقض عهد کرده اند و پیمان شکن می باشند (ملاصدرا، ۱۳۶۱: ۲/ ۲۴۱). صدرا در ادامه قول سوم را مرجع می داند، زیرا اختصاص به گروه خاصی دارد که به واسطه آن چه به اختیار خودشان ملتزم به آنند مورد سرزنش قرار می گیرند، و شامل هر کافر و گمراه شونده ای می شود، برخلاف گروه اول. اینان مستحق سرزنش اند چون عهدی را شکستند که خداوند آن را با دلایل آفاقی و انفسی و شواهد برهانی و دلایل آشکار و روشنی که به واسطه کتب و پیامبران، فرو فرستاد، و به همراهی آنچه در عقول به امانت سپرده بود، محکم و استوارش ساخت (همان).

با توجه به استعمالات قرآنی واژه عهد، پرکاربردترین وجه معنایی آن در قرآن کریم، همان «پیمان» می باشد، ولی در موارد مختلفی در معانی نظیر امر و فرمان الهی، وصیت و سفارش، وفا و پایبندی، دیدار پس از مفارقت و غیره به کار رفته است. لذا با در نظر گرفتن کاربردهای معنایی مختلف واژه عهد در قرآن، بحث بر سر معانی مختلف آن در آیات مختلف نیاز به بحث مفصلی دارد، اما به طور کلی می توان گفت کلیه کاربردهای قرآنی واژه عهد یا به طور صریح در معنای پیمان است، یا در موارد معدودی در معنای نظیر فرمان، توصیه، وفا و دیدار است که آنها نیز بالملازمه در معنای پیمان واجب الوفاء می باشند.

۱- دایره معنایی عهد

در این جا برخی واژه هایی که تقریباً هم معنای عهد است و یا معنای نزدیکی با عهد دارند مورد بررسی قرار می گیرند.

میثاق

بررسی تطبیقی کاربرد و مفاهیم واژه عهد در قرآن و عهدین ۶

در بعضی موارد در بیان عهد از واژه «میثاق» نیز استفاده شده است. در معنای لغوی میثاق نظریه های مختلفی از سوی واژه شناسان ارائه شده است که به دیدگاه برخی اشاره می شود.

راغب اصفهانی در توضیح معنای میثاق می گوید: «وَوَثَّقْتُ بِهِ اِثْقًا ثَقَّهُ» یعنی: (به او اعتماد کردم) «أَوْثَقْتُهُ» (محکمش کردم)، و به چیزی که اعتماد می شود «وِثَاقٌ وَ وِثَاقٌ» می گویند. میثاق پیمان موکدی است که توام با سوگند و عهد باشد، و به عبارتی قراردادی است که با سوگند و پیمان و عهد محکم شده باشد، بنابراین به پیمان های موکد میثاق گفته می شود.» (راغب اصفهانی، ۱۳۶۹: ۳/ ۴۱۷). آقای مصطفوی می گوید: «آنچه را موجب رسیدن به اطمینان، همراه با احکام آن است میثاق می گویند، همانند آنچه در تعهد فرض شده است.» (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۲۵/ ۱۳) قاموس قرآن نیز میثاق را به معنای پیمان موکد می داند و در ذیل آیه (وَ الَّذِینَ یَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِثَاقِهِ...) (بقره: ۲۷ و رعد: ۲۵) اضافه می کند: «میثاق گرچه به معنی «پیمان اکید» و «ما یوثق به» آمده ولی مانعی ندارد که مصدر میمی هم باشد چنان که در جامع الجوامع هم اشاره شده است. بنابراین معنای آن محکم شدن یا محکم کردن است (قرشی، ۱۳۷۸: ۵/ ۵۹).

لسان العرب نیز اشاره به معنای اصلی میثاق کرده و می گوید: «میثاق در اصل به معنای طناب یا ریسمانی است که اسیران جنگی یا حیوانات را با آن می بندند» (ابن منظور، ۱۴۰۵: ۱۰/ ۳۷۱). برخی لغویون، میثاق را به معنای پیمان و قرارداد می دانند اما اشاره ای به مؤکد بودن آن نداشته اند (جیران مسعود، ۱۳۷۶: ۲/ ۱۶۹۴ و جرخلیل، ۱۳۷۷: ۳/ ۱۹۹۹). و برخی نیز معنای «دستور سیاسی یا قوانین اساسی مورد قبول همه» را به آن اضافه کرده اند (افرام بستانی، ۱۳۷۵: ۸۸۴).

بر اساس مطالبی که از دیدگاه لغت شناسان در معنای میثاق ارائه گردید، چنین بر می آید که معنای اصلی میثاق، بستن، محکم کردن، اعتماد و اطمینان می باشد ولی در نهایت، میثاق را در معنای عهد و پیمانی که همراه تأکید باشد استفاده کرده اند. از این رو، میثاق نسبت به عهد خاص است. با نگرستن به استعمالات قرآنی، مشخص می شود که قرآن بین معنای لغوی این دو واژه تفاوتی قائل نشده و هر دوی آنها را در معنای پیمان به کار برده است ولی در معنای اصطلاحی متفاوتی به کار برده شده است. تفسیر اطیب البیان در معنای اصطلاحی میثاق در تفسیر ذیل آیه ۱۲ مائده بیان می کند:

«میثاق عهد مؤکد و یمین محکم است که باعث وثوق و اطمینان طرف باشد و میثاق با خدا ایمان به او است و اطاعت او و ترک مخالفت که عبارت از ایمان و عمل صالح و تقوای از معاصی است (طیب، ۱۳۶۹: ۴/ ۲۱۹).

بررسی تطبیقی کاربرد و مفاهیم واژه عهد در قرآن و عهدین ۷

هم چنین استاد قرآنی میثاق را که این گونه تعریف می کند: میثاق به چیزی گفته می شود که دل انسان با آن وثوق و اطمینان پیدا می کند و از آنجا که وجود یک رهبر الهی، دل و جان انسان ها را آرام و مطمئن می سازد. لذا از مصادیق میثاق شمرده شده است (قرآنی، ۱۳۸۸: ۴/۲۳۹).

به فرموده برخی از اندیشمندان: «کاربرد میثاق در مورد عهد، تأکیدی است بر این حقیقت که طرفین باید پایبند به عهد باشند تا بیشتر اعتماد و جلب اعتماد کنند، چرا که میثاق از ماده وثوق و به معنای اعتماد است، یعنی در واقع دو طرف به گونه ای عمل می کنند که در مجموع، اعتماد و اطمینان بیشتر یکدیگر را جلب کنند، به عهد شان پایبند هستند و گاهی برای استحکام آن، همراه با عهد، قسم هم می خورند.» (مصباح یزدی، ۱۳۷۸: ۳/۱۸۲).

در قرآن برخلاف واژه عهد که در معانی نظیر پیمان، وصیت، فرمان، وفا و دیدار به کاررفته است، واژه میثاق تنها در یک معنا که همان «پیمان» باشد، به کار رفته است. البته اشاره شد که همان معنای مختلف عهد نیز بالملازمه به معنای پیمان بر می گردند.

وعد

یکی از واژه های مرتبط با عهد و میثاق، واژه «وعد» می باشد که به سبب نزدیکی معنای آن با عهد و میثاق نیاز به بررسی معنایی دارد. راغب اصفهانی می گوید: «وعد هم در خوبی و هم در بدی می باشد «وَعَدْتُهُ بِنَفْعٍ وَ ضَرٍّ وَعَدًّا وَ مَوْعِدًا وَ مِيعَادًا» که سه مصدر دارد یعنی او را به سود و زیان وعده دادم، اما «وعدید» فقط در بدی و شر و زیان است و مصادرش «معاوده» و «تواعد» است. خدای تعالی می فرماید: (إِنَّ اللَّهَ وَعَدَكُمْ وَعَدَ الْحَقُّ وَوَعَدْتُمْ فَأَخْلَفْتُمْ) (ابراهیم/۲۲) و قَالَ يَا قَوْمِ أَلَمْ يَعِدْكُمْ رَبُّكُمْ وَعَدًّا حَسَنًا (طه/۸۶) و (وَعَدَكُمْ اللَّهُ مَغَانِمَ كَثِيرَةً) (الفتح/۳۰) و آیات دیگر.

و اما در مورد شر و زیان، آیات: (وَلَنْ يَخْلِفَ اللَّهُ وَعْدَهُ) (الحج/۴۷) چون برای رسیدن عذاب شتاب می ورزیدند، «وعدده» در اینجا همان وعید است. (قُلْ أَفَأَنْبِئُكُمْ بِشَرِّ مِّنْ ذَٰلِكُمُ النَّارُ وَعَدَّهَا اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا) (الحج/۷۲).

اما آن آیاتی که هر دو معنی را در بردارد مثل: (أَلَا إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ) (یونس/۵۵)؛ این وعده ای است در قیامت و آخرت، و پاداش بندگان است؛ اگر کارشان خیر بوده پاداش نیکو، و اگر شر بوده جزای بدی خود را می بینند.» (راغب

اصفهانی، ۱۳۶۹: ۴/۴۶۶؛ قرشی، ۱۳۷۸: ۷/۲۲۶؛ ابن فارس، ۱۴۰۴: ۶/۱۲۵).

بررسی تطبیقی کاربرد و مفاهیم واژه عهد در قرآن و عهدین^۸

برخی از قرآن پژوهان نیز معتقدند «وعد» در اصطلاح عبارت است از: «امیدوار کردن شخصی به انجام امری یا تحقق خواسته ای با کلام» (میر لوحی، ۱۳۹۲: ۲۹۳). پس می توان گفت «وعد» به معنای قول است و هم بر کیفر و هم بر پاداش اطلاق می گردد که پس از آخرین داوری جزای راستین اعمالی می باشد که انسان ها در طول زندگی خود انجام داده اند (ماسون، ۱۳۸۵: ۱/۳۵۵).

با توجه به کلام لغت شناسان معنای «وعد» مشخص می شود و می توان گفت فرق عهد و وعد در این است که عهد مقرون به شرطی باشد. مثل این که گفته شود «ان فعلت کذا فعلت کذا» (اگر چنین کنی چنین می کنم)، ولی وعد مقرون به شرط نیست (میر لوحی، ۱۳۹۲: ۲۹۳). در واقع در معنای عهد شرط وجود دارد که اگر شرط مورد نظر عملی شود جواب شرط که همان تحقق وعده باشد، عملی خواهد شد. مثلاً در عهد الهی اگر انسان عدم تبعیت از شیطان را که به عنوان عهدی از سوی خدا مطرح شده است جامه عمل بپوشاند، وعده بهشت و نجات از جهنم به عنوان جزای شرط از سوی خدا، نصیب انسان خواهد شد.

لذا با توجه به فرق میان عهد و وعد، و همچنین تفاوت میان عهد و میثاق، که گفتیم فرق عهد و میثاق به این است که در میثاق، پیمان و عهد همراه با تاکید است، فرق میان میثاق و وعد هم آشکار می شود و معلوم می گردد وعد نسبت به میثاق، عام و میثاق خاص است (همان).

اصر

قرآن کریم از اصطلاحات گوناگونی برای بیان مفهوم پیمان مقدس استفاده کرده است، واژه های دیگری که قرآن در معنای پیمان به کار برده، واژه «اصر» است که در برخی آیات، هم معنا با عهد و میثاق است.

«اصر» به معنای میثاق محکم و عهد استوار است که اگر یکی از دو طرف به مفاد آن وفادار نباشد و یا از آن غفلت و یا پیمان شکنی کند، مستوجب تحمل عقاب و عذاب شدید خواهد شد. راغب اصفهانی در مفردات قرآن می گوید:

«اصر یعنی عهد و پیمان مؤکدی که آن تاکید، مانع شکستن و نقص آن از راه ثواب و خیرات است، خدای تعالی می فرماید: (...قَالَ أَقْرَرْتُمْ وَأَخَذْتُمْ عَلَىٰ ذَٰلِكُمْ إِصْرِي...) (آل عمران / ۸۱)؛ آیا اقرار کردید و در این باره پیمانم را پذیرفتید؟»

یعنی پیمان موکد و استوار. و در آیه (...وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ...) (اعراف / ۱۵۷)؛ «و بارهای سنگین که بر (دوش) آنها بود بر می دارد»، اموری است که آنها را از خیرات و رسیدن به ثواب و پاداش باز می دارد. پس اصر به معنای میثاق موکد است که اگر کسی آن را نقض کند، از دریافت مزد و پاداش محروم می ماند و مشمول الطاف و مراحم الهی نخواهد گشت.» (راغب اصفهانی، ۱۳۶۹: ۳/۱۷۶).

بررسی تطبیقی کاربرد و مفاهیم واژه عهد در قرآن و عهدین^۹

قاموس قرآن در معنای اصر آورده است: «اصر به معنای سنگینی، پیمان و گناه است. معنی جامع همان سنگینی است. پیمان یک نوع سنگینی و قبول مسئولیت، و گناه نیز یک نوع سنگینی است. در آیه (...قَالَ أَأَقْرَرْتُمْ وَأَخَذْتُمْ عَلَىٰ ذَٰلِكُمْ إِصْرِي...) (آل عمران/۸۱) به معنی پیمان است؛ یعنی: آیا اعتراف کردید؟ و بر آن، پیمان مرا گرفتید؟ و در شریفه (...رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إِصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَىٰ الَّذِينَ مِن قَبْلِنَا...) (بقره/۲۸۶) به معنی سنگینی است؛ یعنی تکلیف سنگین بر ما بار مکن. در حالات حضرت رسول (ص) آمده: (...وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ...) (اعراف/۱۵۷)؛ یعنی از آنها سنگینی و اغلالشان را بر می دارد و به شریعت آسان و طبیعی راهنمایی می کند.» (قرشی، ۱۳۷۸: ۳/۱۷۶).

واژه «اصر» تنها در سه موردی که به آنها اشاره شد در قرآن به کار رفته، و همان گونه که از سخنان لغت شناسان بر می آید در آیه موردنظر ما (آل عمران/۸۱) معنای میثاق موکد را می رساند که هم معنا با واژه عهد و میثاق خواهد بود البته با تاکید بیشتری.

۳- لفظ عهد و میثاق در عهدین

عهد در کتاب مقدس شرطی است که میان انسان و خدا برقرار می شود (اشعیا ۲۸: ۱۵ و ۱۸). همچون عهدی که خدا با نوح، ابراهیم و موسی و ... برقرار ساخت.

مضمون اصلی کتاب مقدس که در سرتاسر متن آن به صورت مشهود به چشم می خورد، مضمون حضور خدا در میان قومی است که با ایشان عهد بسته است. واژه های عهد و میثاق از جمله واژه هایی هستند که در کتاب مقدس مکررا به کار رفته اند. با شمارشی که تو سط محققین انجام گردید، مشخص شد واژه عهد در حدود ۳۰۰ مرتبه در عهدین به کار رفته است. ولی واژه میثاق تنها یک بار در عهدین به کار رفته است. و از نظر معنا هیچ تفاوتی بین آنها در کتاب مقدس عهدین وجود ندارد و هر دو از واژه عبری بریت (berit) به معنای پیمان گرفته شده است که در یونانی به Diatheke برگردانده شده و مراد پیمانی است که براساس آن، خدا عهد کرد کسانی را که از زمره قوم او شوند، از مواهب مادی و معنوی آکنده سازد، و این همان پیمانی است که بر طبق عهد عتیق، با قوم اسرائیل بسته شده است. در زبان لاتینی نیز واژه «عهد» ترجمه لفظ testament است که خود از کلمه لاتینی testamentum گرفته شده و لفظ اخیر برگردان واژه یونانی diatheke است. معمولا لفظ testament به معنی «وصیت نامه» است، یعنی سندی که در آن شخص معین می کند اموال او پس از مرگش به چه صورت تقسیم شود یا مورد استفاده قرار گیرد. انتخاب واژه testament تا حدودی خصوصیت دو جانبه ای را که در هر پیمانی وجود دارد کم رنگ می سازد و این بدان سبب است که بر اقتدار خدا در

بررسی تطبیقی کاربرد و مفاهیم واژه عهد در قرآن و عهدین ۱۰

مقام عهدکننده تاکید شود. با توجه به این نکات، می توان عهد عتیق و عهد جدید را دو مجموعه کتاب شمرد که راوی سرگذشت پیمان خدا با آدمیان هستند.» (سیار، ۱۳۸۷: ۲۵).

ریشه واژه عبری (berit) به معنای پیمان عبارت است از «b-r-t» که به معنای قطع کردن و تقسیم کردن است. (berit) در ابتدا آن قربانی بوده است که قطعه قطعه می شد و نشان یک پیمان انعقاد یافته بود. سپس این واژه بر پیمان ملتی با ملتی دیگر، عهد دوستی میان دو فرد و عقد ازدواج اطلاق گردید. سرانجام اصطلاحی شد برای سخن گفتن از پیمانی بسیار ویژه، یعنی میثاق خدا با امت او (ماسون، ۱۳۸۵: ۱/۳۵۲)

۴- رابطه عهد و میثاق با وحی

وحی خداوندی مشخص که توسط پیامبران ابلاغ گشته و در کتاب های آسمانی به ودیعت نهاده شده است باید به سان موهبتی رایگان از سوی قادر مطلق تلقی شود. مفهوم عهد و میثاق با وحی دو مفهوم جدایی ناپذیر هستند و مفهوم پیمان با میثاق هم آیند وحی است. زیرا خداوند متعال روابطی را که می خواهد با مومنان برقرار کند، با نوعی عهد و پیمان بیان می فرماید. به این ترتیب کتاب هایی که حاوی نو شتارهای یهودی و مسیحی است از قرن دوم توسط کلیسا و تحت عنوان عهد عتیق و عهد جدید دسته بندی گردید (همان).

وحی شالوده ایمان است و همچنین حاوی اصول بنیادینی است که آیین و اخلاق یعنی روابط میان خداوندی که از سر لطف بر انسان تجلی می کند و مومنانی که باید تسلیم قانون الهی گردند را تنظیم می کند. پاره ای شرایط که خداوند تثبیت فرموده بر این روابط حاکم است و مومن باید آنها را رعایت کند تا از رحمت الهی محروم نگردد و متحمل رنج های جهنم نگردد (همان). لذا با توجه به وحی هایی که بر پیامبران می شده و در عهدین از آنها یاد شده است و همچنین وحی های قرآنی که در قرآن بر پیامبر (ص) نازل گردیده و همه آنها در قالب عهد و پیمان هایی است که از شریعت و اخلاق و وظایف انسان ها سخن می گوید، مفهوم عهد از مفهوم وحی جدایی ناپذیر تلقی می شود و وحی خداوندی همواره در قالب عهد و پیمان های الهی به بشر عرضه گردیده است. حضرت امیر (ع) می فرمایند: (و اصطفتی سبحانه من ولده انبیاء...); «و خداوند از میان فرزندان آدم پیامبرانی برگزید و در برابر وحی از آنان میثاق و پیمان گرفت و از آنها خواست که امانت رسالت را به مردم برسانند...» (نهج البلاغه، خطبه ۱).

با این بیان سه دین مبتنی بر توحید ابراهیمی بر این ایده اساسی متکی است: خداوند یکتا، آفریدگار قادر مطلق از روی رحمت خود خواست تا به واسطه پیامبرانش بر انسان تجلی کند و شریعت را برایشان تقریر نماید؛ رعایت شریعت

بررسی تطبیقی کاربرد و مفاهیم واژه عهد در قرآن و عهدین ۱۱

همان پاسخ مومن است که به وسیله آن دینی را که به خداوند دارد به درستی ادا می کند و عهدی را به جای می آورد که با پذیرش ایمانی که توسط فرستادگان خداوند به او عرضه گشته بود، گردن نهاده است (ماسون، ۱۳۸۵: ۱/۳۵۷).

نتیجه گیری

با توجه به استعمالات قرآنی واژه عهد، پرکاربردترین وجه معنایی آن در قرآن کریم، همان «پیمان» می باشد، ولی در موارد معدودی در معناهایی نظیر فرمان، توصیه، وفا و دیدار است که آنها نیز بالملازمه در معنای پیمان واجب الوفاء می باشند.

واژگان دیگری در قرآن به کار رفته که دارای اشتراک معنایی با عهد هستند. از جمله آنان، میثاق می باشد که به معنای پیمان مؤکد است. واژه دیگر، وعد می باشد که عام تر از عهد و میثاق است و در خیر و شر کاربرد دارد. واژه سوم، اصر می باشد که از دیگر واژه ها اخص است. اصر به معنای میثاق محکم و عهد استوار است که اگر یکی از دو طرف به مفاد آن وفادار نباشد و یا از آن غفلت و یا پیمان شکنی کند، مستوجب تحمل عقاب و عذاب شدید خواهد شد. بنابراین در قرآن کریم واژگان مذکور به ترتیب عمومیت: وعد، عهد، میثاق، اصر می شود.

عهد از نظر قاموس کتاب مقدس شرطی است که میان انسان و خدا برقرار می شود. در عبری، عهد به معنای (berit) آمده است. ریشه (berit) به معنای پیمان عبارت است از «b-r-t» که به معنای قطع کردن و تقسیم کردن است. (berit) در ابتدا، آن قربانی بوده است که قطعه قطعه می شد و نشان یک پیمان انعقاد یافته بود. سپس این واژه بر پیمان ملتی با ملتی دیگر، عهد دوستی میان دو فرد و عقد ازدواج اطلاق گردید. سرانجام اصطلاحی شد برای سخن گفتن از پیمانی بسیار ویژه، یعنی میثاق خدا با امت او.

با بررسی تطبیقی عهد در قرآن و عهدین، مشخص می شود استعمال آن در معنای پیمان، مشترک است ولی وجه افتراق آن در این است که در عهدین، عهد خیلی خاص است ولی در قرآن معنای عام تری دارد. ضمناً لفظ عهد در قرآن گسترش می یابد و دایره معنایی و وجوه متعددی پیدا می کند که بنا به عمومیت، نام های متفاوتی برای آن وجود دارد. کاربرد واژه عهد در قرآن و عهدین در معنای پیمان یکسان است اما در مصادیق و ارزش با هم متفاوت هستند.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه
۳. کتاب مقدس
۴. ابن فارس بن زکریا، ابن الحسین (۱۴۰۴): ((معجم مقاییس اللغة (ج ۴))), قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۵. ابن منظور، (۱۴۰۵): ((لسان العرب (ج ۳))), قم: ادب الحوزه.
۶. بستانی، فواد افرام (۱۳۷۵): ((فرهنگ ابجدی الفبایی عربی فارسی)), ترجمه رضا مهیار، تهران: اسلامی.
۷. خرمشاهی، بهاء‌الدین (۱۳۸۱): ((دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی)), تهران: ناهی.
۸. خلیل، جر (۱۳۷۷): ((المعجم العربی الحدیث (فرهنگ لاروس))), ترجمه حمید طیبیان، تهران: امیرکبیر، هشتم.
۹. راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد بن فضل (۱۳۶۹): ((مفردات الفاظ قرآن کریم)), ترجمه غلامرضا خسروی حسینی، تهران: مرتضوی، اول.
۱۰. شریعتمداری، جعفر (۱۳۷۲): ((شرح و تفسیر لغات قرآن براساس تفسیر نمونه)), مشهد: بنیاد پژوهش های استان قدس رضوی، اول.
۱۱. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۳۶۱): ((تفسیر القرآن الکریم)), تصحیح محمد خواجوی، قم: بیدار، دوم.
۱۲. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴): ((ترجمه تفسیر المیزان)), ترجمه محمدباقر موسوی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، پنجم.
۱۳. طبرسی، فضل بن حسن (بی تا): ((ترجمه تفسیر مجمع البیان)), ترجمه حسین نوری همدانی، تهران: فراهانی، اول.
۱۴. طیب، عبدالحسین (۱۳۶۹): ((تفسیر اطیب البیان فی تفسیر القرآن)), تهران: اسلام، دوم.
۱۵. قرائتی، محسن (۱۳۸۸): ((تفسیر نور)), تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، اول.
۱۶. قرشی، علی اکبر (۱۳۷۸): ((قاموس قرآن)), تهران: دارالکتب الاسلامیه، هشتم.
۱۷. م. صباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۸): ((اخلاق در قرآن)), تحقیق محمدحسین اسکندری، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، اول.
۱۸. میرلوحی، سیدعلی (۱۳۹۲): ((ترادف در قرآن کریم)), قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، اول.

بررسی تطبیقی کاربرد و مفاهیم واژه عهد در قرآن و عهدین ۱۳

۱۹. عهد جدید (براساس کتاب مقدس اورشلیم) (۱۳۸۷): ترجمه پیروز سیار، تهران: نی، دوم.

۲۰. ماسون، دنیز (۱۳۸۵): (قرآن و کتاب مقدس)، ترجمه فاطمه سادات تهامی، تهران: دفتر پژوهش و نشر سهروردی.

۲۱. میبیدی، احمد بن محمد (۱۳۷۱): (کاشف الاسرار و عده الابرار)، تهران: امیرکبیر، پنجم.

۲۲. مسعود، جبران (۱۳۷۶): (فرهنگ الفبایی راند)، ترجمه رضا انزایی نژاد، مشهد: آستان قدس رضوی، دوم.